

## بررسی تأثیر قاچاق کالا بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: استان هرمزگان)

منصوره دسترنج<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳

### چکیده

قاچاق کالا، بازرگانی غیرقانونی است که آثار اخلاقی زیادی بر متغیرهای امنیتی کشور دارد و یکی از مهمترین عواملی است که نظم و امنیت اجتماعی جامعه را به مخاطره می‌اندازد و خسارت‌های مادی و معنوی فراوانی را به جامعه وارد می‌سازد. از سوی دیگر مهمترین نیاز هر جامعه، تأمین امنیت اجتماعی آن جامعه و افراد آن است. این پژوهش با هدف بررسی و شناسایی تأثیر قاچاق کالا بر امنیت اجتماعی در استان هرمزگان انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کارشناسان و مسئولان نیروی انتظامی استان هرمزگان که با مقوله قاچاق مرتبط بوده‌اند، به صورت تمام شمار ۳۰ نفر و با روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. این تحقیق با روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفت. پس از گردآوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها به وسیله نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد. ابتدا جدول‌های مربوط به آزمون فرضیه‌ها، محاسبه و سپس معادله پیش‌بینی مربوط به رابطه متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر قاچاق کالا و امنیت اجتماعی محاسبه گردید. نتایج تحقیق نشان داد بین متغیرهای عوامل اقتصادی، سیاسی، ساختاری، اجرایی-مدیریتی، جغرافیایی و امنیت اجتماعی با قاچاق کالا رابطه معنادار وجود دارد. از میان عوامل تأثیرگذار، عوامل اقتصادی دارای بالاترین تأثیر و عوامل سیاسی دارای کمترین تأثیر بر قاچاق کالا می‌باشد. تحلیل رگرسیون مرحله به مرحله نشان داد که عوامل جغرافیایی، ساختاری، سیاسی، اقتصادی و اجرایی-مدیریتی، ۹۶/۶ درصد از تغییرهای واریانس متغیر قاچاق کالا را تبیین می‌نمایند.

**کلیدواژه‌گان:** امنیت اجتماعی، استان هرمزگان، قاچاق، قاچاق کالا

<sup>۱</sup> گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران [md.dastranj@pnu.ac.ir](mailto:md.dastranj@pnu.ac.ir)

## مقدمه

قاچاق کالا به عنوان یک معضل و تهدید امنیتی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی، در طی چند دهه اخیر توجه سیاست‌گذاران دولتی، نظامی و انتظامی کشور را به خود معطوف کرده است و به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی دولتمردان، پدیده چند بعدی است که موجب اختلال در نظام اقتصادی، اجتماعی و امنیت کشور می‌شود و یکی از مهمترین عواملی است که نظم و امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد و خسارت‌های مادی و معنوی فراوانی را به جامعه وارد می‌سازد (کهرزادی و کهرزادی باصری، ۱۳۹۹: ۷۳۷). قاچاق کالا به دلیل عدم پرداخت حقوق و عوارض گمرکی افزون بر اینکه منجر به واردات ارزان قیمت و به تبع آن کاهش مصرف تولیدات داخلی و نهایتاً رکود و تعطیلی کارخانجات می‌شود، دولت را از یکی از منابع اصلی تأمین درآمد خود محروم کرده و موجب اختلال در اعمال و اجرای برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولتی شده و با کاهش رشد و ایجاد رکود اقتصادی، عدم توازن و تعادل در نظام اجتماعی و اقتصادی را به دنبال خواهد داشت که در نهایت، نظام اقتصادی، اجتماعی و به تبع آن نظام سیاسی و امنیت ملی کشور را در معرض تهدید قرار خواهد داد (اصلائی اسلمرز و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). هر چند بحث قاچاق منحصر به اقتصاد ایران نیست، اما این مسأله در کشور ما به دلیل شرایط خاص جغرافیایی برای ورود و خروج کالا و نیز نبود شرایط با ثبات در کشورهای همسایه بسیار قابل توجه است (کهنه پوشی و شایان، ۱۳۹۲، ۵۲).

مطالعه و ملاحظه آمار و ارقام مربوط به کشفیات قاچاق کالا بیانگر آن است که روند قاچاق کالا روندی رو به رشد و فزاینده دارد. برآوردهای اولیه نشانگر آن است که حجم قاچاق کالا معادل نیمی از صادرات غیرنفتی کشور است (صمدیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴). این امر بیانگر وجود یک معضل در سطح ملی است، از سوی دیگر جستجوی امنیت از مهمترین کوشش‌ها و انگیزه‌های انسانی است. مهمترین نیاز هر جامعه، تأمین امنیت

اجتماعی آن جامعه و افراد آن است. هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و شکوفایی استعدادها مهم تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست. ناامنی اجتماعی یعنی موقعیت هایی که در آن گروههای مهمی در یک جامعه احساس می کنند، هویت آنها به وسیله برخی عوامل در خطر است و در تلاش اند تا از خود دفاع کنند. امنیت نخستین حق شهروندی و تأمین آن مقدم ترین وظیفه حکومت ها در برابر شهروندان و زیربنایی ترین مفهوم در زندگی اجتماعی و مدنی است. امنیت دارای ابعاد گوناگونی است که مهم ترین آن امنیت اجتماعی است (ویسی، ۱۳۹۵: ۲۱۰). امنیت اجتماعی از دو بعد عینی و ذهنی برخوردار است. در بعد عینی، امنیت اجتماعی به معنی نبود تهدید برای ارزش های کسب شده است و در بعد ذهنی مشتمل بر نبود ترس از این که آن ارزش ها مورد حمله قرار گیرد (اونیل، ۲۰۰۲: ۲۶). در این میان قاچاق کالا یکی از عوامل مهم در ایجاد ناامنی های ملی و اجتماعی محسوب می شود. پیامدهای قاچاق کالا بر ناامنی اجتماعی می توان به شرح زیر برشمرد: افزایش ثروت و قدرت نامشروع، افزایش تورم، رانت خواری، هدر رفتن منابع ملی، رکود صنعت، تضاد طبقاتی، سلطه همه جانبه شرکت های چندملیتی، شکست بازار داخلی، کاهش امنیت ملی و عمومی (صمدیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳). با این اوصاف پدیده قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی یک مسأله مهم و قابل بررسی است که ضرورت و اهمیت بررسی تأثیر قاچاق بر امنیت اجتماعی را نشان می دهد. آنچه برانگیزنده انجام این تحقیق و نگارش این مقاله گردیده است، بررسی پیامدهای ناشی از قاچاق کالا که منجر به ناامنی اجتماعی در استان هرمزگان می گردد، می باشد.

استان هرمزگان با داشتن مرز دریایی با آبهای خلیج فارس و دریای عمان یکی از مهمترین مراکز ورود و خروج کالای قاچاق در کشور محسوب می شود. اسکله های متعدد ورود و صدور کالا و حجم عظیم بار و مسافر در این مناطق عامل دیگر زمینه ساز قاچاق کالا

است. موضوع قاچاق کالا و گستردگی آن در استان هرمزگان به گونه ای است که بخش وسیعی از توان نیروهای مسلح، نیروی انتظامی و مرزبانی، وزارت اطلاعات، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دستگاه قضایی و گمرک صرف مبارزه و توقیف آنها می گردد. با توجه به اینکه مصادیق مختلف قاچاق کالا در محدوده استان هرمزگان به عنوان یکی از معضلات کنونی این استان، دغدغه مسئولین و دست اندرکاران امر می باشد و افزون بر این، وقوع این جرایم موجب بروز مسائل اجتماعی و امنیتی در این استان و در سطح کشور می شود، بنابراین در این پژوهش تلاش می شود تا به بررسی علل و عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و تأثیر قاچاق کالا بر امنیت اجتماعی در استان هرمزگان و ارائه پیشنهادها و راهبردهای مقابله و کنترل و پیشگیری متناسب با آن پرداخته شود.

### **سوال اصلی تحقیق**

قاچاق کالا چه تأثیری بر امنیت اجتماعی در استان هرمزگان دارد؟

### **سوال های فرعی تحقیق**

۱- عوامل تأثیرگذار بر قاچاق کالا کدامند

۲- درجه تأثیرگذاری هر کدام از عوامل به چه میزان است؟

۳- آیا بین عوامل مؤثر و قاچاق کالا رابطه معناداری وجود دارد؟

### **هدف تحقیق:**

#### **هدف اصلی**

بررسی و شناسایی تأثیر قاچاق کالا بر امنیت اجتماعی می باشد.

#### **اهداف فرعی**

شناخت وضعیت موجود قاچاق کالا و همچنین شناخت وضعیت امنیت اجتماعی استان، مشخص کردن میزان تأثیر هر یک از عوامل مختلف اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی، ساختاری، اجرایی-مدیریتی بر قاچاق کالا مد نظر قرار گرفته است.

### ادبیات نظری تحقیق

در دنیای نوین امروز، امنیت، ضمن حفظ اهمیت بنیادین خود، یک مفهوم آرمانی، مدنی و فرهنگی است که از طریق کنش آگاهانه اجتماعی تحقق می یابد و نشان دهنده بسندگی نظام های حکومتی، متضمن ثبات و استقلال سازمان سیاسی، تعیین کننده کیفیت زندگی مردم و حافظ منافع اساسی کشورها در ابعاد گوناگون است (افشنگ و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۸). امنیت به وضعی اطلاق می شود که در آن تهدیدی نسبت به ارزش های حیاتی یک جامعه وجود نداشته و توانمندی ها و شرایط برای تأمین منافع ملی و بهره گیری از فرصت ها فراهم باشد. امنیت حیاتی ترین و ارزشمندترین کالا برای زندگی شهروندان محسوب می گردد. امنیت اجتماعی یعنی آرامش و آسودگی خاطری است که جامعه برای اعضای خود ایجاد می کند. یکی از خصایص این نوع امنیت، آن است که جامعه مسئول پدیدآوردن آن است. به عبارت دیگر باید بگوییم که یکی از وظایف و اهداف جامعه، همان برقراری امنیت اجتماعی است، این امنیت به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند (لرنی، ۱۳۸۳: ۲۹). در سطح کلان اجتماعی، امنیت اجتماعی بیش از هر چیز تحت تأثیر قاچاق کالا می باشد و قاچاق کالا از جمله معضلاتی است که زیان های پیدا و پنهانی را بر پیکره نظام اجتماعی - اقتصادی وارد می سازد. در این بخش به طور مفصل در دو قسمت جداگانه امنیت اجتماعی و قاچاق کالا بررسی می گردد.

#### الف - امنیت اجتماعی:

از دیدگاه جامعه شناسی، احساس امنیت در واقع یک تولید اجتماعی است یعنی همه نهادهای اجتماعی در شکل گیری آن نقش ایفا می کنند. با این دید طبیعتاً همه ارکان جامعه از جمله مردم، حاکمیت، پلیس و ... در تولید و ارتقای سطح آن نقش کلیدی و لاینفک دارند (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). نخستین بار مکتب کپنهاگ، امنیت اجتماعی را توسط باری بوزان مطرح کرد و آن را یکی از ابعاد پنجگانه امنیت ملی معرفی کرد. بوزان

معتقد است که امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۴). اولسن و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند که امنیت اجتماعی حد واصل امنیت ملی، توسعه پایدار، امنیت انسانی و مدیریت بحران است (Olsen & et al, 2007: 69). در تأمین امنیت اجتماعی از منظر قانون اساسی در درجه اول به عهده نیروی انتظامی می باشد که اهم وظایف آن به شرح زیر است:

- ۱- نیروی انتظامی برای تأمین امنیت ملزم به انجام اقدامات پیشگیرانه می باشد.
  - ۲- مقابله با ناامنی های اجتماعی و عوامل مخل نظم و امنیت از مهمترین وظایف نیروی انتظامی است.
  - ۳- حفاظت و تأمین امنیت جان، مال، ناموس و حیثیت و اخلاق شهروندان از وظایف نیروی انتظامی است (قانون ناجا، مصوب تیر ۱۳۶۹).
- بنابراین تأمین امنیت اجتماعی منوط به مراعات قواعد، قوانین و هنجارهای اجتماعی است، زیرا تهدید امنیت اجتماعی از جمله پیامدهای گسترش جرایم و آسیب های اجتماعی است. از سوی دیگر مهم ترین شاخص برای اندازه گیری امنیت اجتماعی، آسیب های اجتماعی است. بیکاری، انواع سرقت، قاچاق، کلاهبرداری، اعتیاد و... از مهمترین مصادیق و شاخص های امنیت اجتماعی به شمار می روند.
- ب- **قاچاق کالا:** وارد کردن کالا به کشور یا خارج کردن کالا از کشور به طور غیر مجاز، بیرون بردن کالاهای تجاری از گمرک بدون تسلیم اظهارنامه و پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگان. طبق تعریف سازمان جهانی گمرک<sup>۱</sup> (WCO) قاچاق تخلف گمرکی است شامل جابه جایی کالا در طول مرز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی (کهنه پوشی و جلالیان، ۱۳۹۲، ۶۲).

<sup>۱</sup> World Customs Organization

با توجه به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، قاچاق عبارت است از یک جرم کیفری که قانون گذار در قوانین موضوعه از جمله قوانین نحوه اعمال تعزیرات برای قاچاق کالا و ارز و مرتکبین قاچاق، مجازاتهایی از قبیل ضبط کالا، جریمه، حبس یا انهدام آن پیش بینی کرده است (مستجابی سرهنگی و صادقی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). عمده ترین دلایل ورود کالاهای قاچاق، وجود تقاضای زیاد برای این گونه کالا و حقوق گمرکی و سود بازرگانی می باشد.

قاچاق کالا تا سال های نه چندان دور به شکل کنونی و به عنوان یک مسئله امنیتی مطرح نبود، اما به تدریج با افزایش روزافزون آن و تسری به انواع کالاها و نیز تغییر سیاست های تجاری و اقتصادی دولت، رفته رفته به یک تهدید مبدل شد. پدیده قاچاق از جمله پدیده های بی ثبات کننده امنیت ملی است که بر اساس شرایط مختلف علل، عوامل و روند و نتایج آن نیز متفاوت بوده است. عوامل متعددی بر پیدایش و گسترش قاچاق اثر دارد یا به گونه ای آن را تسهیل می کند. اوضاع سیاسی-امنیتی همسایگان، سودآوری قاچاق، عدم نظارت صحیح بر مرزها، بیکاری، فقر و تنگدستی، نظام ارزی ناکارآمد داخلی، و ... از دیگر عوامل شکل گیری و گسترش قاچاق کالا به شمار می آید. قاچاق پدیده ای یک علتی نیست، بلکه محصول و پیامد مجموعه ای از عوامل اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و ساختاری می باشد. به عقیده برخی کارشناسان یکی از عوامل مؤثر در گسترش ورود کالاهای قاچاق، مرزهای طولانی زمینی، دریایی و فقدان نظارت کافی بر آنهاست.

بوهن (۲۰۰۸) معتقد است که با توجه به محدودیت هایی همچون؛ رشوه گیری و فساد مقامات دولتی، خلاء های قانونی، تعرفه های بالا و بیکاری زیاد، سطح پایین خدمات و امکانات، مرزنشینان به قاچاق کالا به عنوان راهکاری مطمئن جهت کسب درآمد و گذران معیشت روی می آورند (بوهن، ۲۰۰۸، ۲۸). بر اساس دیدگاه بهاگواتی و هانسن در

حالت عدم همزمانی قاچاق و تجارت قانونی، قاچاق کالا به کاهش رفاه منجر می‌شود. تحت شرایط خاصی امکان افزایش رفاه نیز وجود دارد. این در حالی است که به هنگام وقوع توأمان تجارت قانونی و قاچاق، قاچاق کالا لزوماً رفاه اجتماعی را کاهش می‌دهد (محکم کار و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۱).

وطن پور (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر قاچاق کالا بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. از جمله آثاری که در این پژوهش به آن پرداخته شده است عبارتند از: اختلال در سیاست‌های اقتصادی دولت، افزایش فقر، افزایش انحصار و رانت خواری، اختلال در آمارها و داده‌های اقتصادی، افزایش گرایش از تجارت رسمی به سمت قاچاق، تضعیف و کاهش تولید داخل، اختلال در توسعه مناطق مرزی، کاهش درآمدهای دولت، کاهش اشتغال، تضعیف امنیت سرمایه‌گذاری. ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۸۸) در سند ملی راهبردی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اصول و ارزش‌های حاکم بر مبارزه با قاچاق که باید مد نظر قرار گیرد به شرح زیر بیان نموده است: ۱- اصل دقت، سرعت و صحت عمل، ۲- استقلال، شکوفایی، سلامت و امنیت اقتصادی، ۳- اعتماد سازی و جلب مشارکت عمومی در مبارزه، ۴- استیفای حقوق عمومی، کاهش تراحم با مردم و توجه به منافع عمومی، ۵- اصل حاکمیت تفکر راهبردی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۶- جامعیت و روزآمدی مبارزه با قاچاق، ۷- ترویج فرهنگ تولید کالای کیفی و مصرف کالاهای ایرانی، ۸- اصل تقدم کنترل نرم افزاری بر کنترل سخت افزاری، ۹- صیانت از سرمایه‌های انسانی، ۱۰- اصل افزایش ریسک قاچاق کالا و ارز به سمت باندهای بزرگ و مرکزیت کشور.

قلی زاده و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان علل و پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی دریافتند که عوامل متعددی در قاچاق کالا مؤثر هستند. این عوامل به ترتیب اهمیت شامل تعرفه بالای کالاها، بیکاری و توسعه نیافتگی مناطق مرزی، خطرپذیری پایین قاچاق، مناطق آزاد و بازارچه‌های مرزی می‌باشد. همچنین بر اساس



یافته های پژوهش، قاچاق کالا باعث رانت خواری، نامتعادل شدن اقتصاد، عدم تعادل در قیمت کالاها، به هم ریختگی در تولید، از بین رفتن بازار کار و ناکارآمدی نظام اطلاعات کشور شده است. زراء نژاد و ابراهیمی (۱۳۹۱) در مطالعه ای به بررسی قاچاق کالا در ایران و رابطه آن با اقتصاد رسمی پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد تورم، شاخص باز بودن اقتصاد، آموزش و حجم دولت مهم ترین عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در ایران هستند و مصرف فرآورده های نفتی و تقاضای پول مهم ترین متغیرهای تأثیرپذیر از قاچاق کالا هستند. عیسی آبادی و شاه قلعه (۱۳۹۲) بیان می دارند که ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی خاص خود، سبب گسترش قاچاق کالا و دشواری مبارزه با آن شده است. وجود مرزهای طولانی با همسایگان، کنترل و نظارت بر ورود و خروج کالاها را از این مرزها دشوار می سازد. جان پرور و قصری (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا در طول مرزهای ایرن دریافتند که عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در طول مرزهای ایران شامل عوامل جغرافیایی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و فرهنگی، عوامل سیاسی است. شناخت این عوامل مؤثر بر قاچاق کالا گام اولیه حرکت برای مدیریت و کنترل مرزهای ایران است. قراگوزلو (۱۳۹۶) در تحقیقی به تحلیل عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در ایران پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که مهمترین عوامل مؤثر در قاچاق کالا در ایران عبارتند از: عوامل اقتصادی، سیاسی-نظامی، اجتماعی، جغرافیایی، اجرایی-مدیریتی که عامل اقتصادی بیشترین سهم و عامل اجرایی-مدیریتی کمترین سهم در تبیین قاچاق کالا داشته است. التیامی نیا (۱۴۰۰) در تحقیقی به بررسی اقتصاد سیاسی قاچاق کالا و پیامدهای امنیتی و سیاسی آن در ایران پرداخته است. یافته های پژوهش نشان می دهد قاچاق در کشور، کاهش تولیدات داخلی، کاهش سودآوری و سرمایه گذاری در تولید و بخشهای مختلف اقتصاد کشور، و به تبع آن کاهش اشتغال و افزایش بیکاری را در پی داشته و در نهایت با کاهش اقتدار و حاکمیت دولت، امنیت ملی کشور به مخاطره می افتد. کندری و صادقی (۱۴۰۱) در مطالعه ای

تحت عنوان مبارزه با قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی و اجتماعی جامعه به این نتیجه رسیدند که بازارچه‌ها در کاهش قاچاق کالا و زمینه‌های ارتکاب آن نقش مؤثر و تعیین‌کننده دارند، چرا که بازارچه با ایجاد شغل‌های زیادی چه به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند پدیده شوم قاچاق کالا را کنترل کنند. محکم کار و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی به تبیین قاچاق کالا بر امنیت اقتصادی کشور پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که قاچاق کالا بر ابعاد امنیت اقتصادی تأثیرگذار است به گونه‌ای که با افزایش قاچاق کالا میزان مشارکت مردمی، سلامت نظام حقوقی، سلامت نظام اداری و میزان رشد اقتصادی کشور کاهش می‌یابد. آرگبین<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی علل، شدت و زیان‌های قاچاق در نیجریه پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که عواملی مانند ضعف قوانین، فساد اداری، پایین بودن کیفیت کالاهای داخلی و عدم هماهنگی میان سازمان‌ها و اداره‌ها از مهم‌ترین عامل در گسترش قاچاق در نیجریه بوده است.

### چارچوب نظری تحقیق

مطابق نظریه اقتصادی قاچاق نورتن، با افزایش نرخ تعرفه در ورود کالا به بازار داخلی با فرض عدم کشف قاچاق، مقدار قاچاق نیز افزایش می‌یابد. همچنین اقدامات مبارزه با قاچاق به صورت افزایش نرخ جریمه، حجم قاچاق را کاهش می‌دهد و انگیزه را برای تجارت قانونی تقویت می‌نماید. بر اساس دیدگاه مکتب سوداگران در مورد قاچاق کالا، بهترین راه ثروتمند شدن یک کشور صدور کالا بیش از ورود آن می‌باشد در این راه هست که گمرکات به حمایت از تولیدات داخلی می‌پردازد و کنترل دولت بر تجارت با تهدید واردات و تشویق صادرات افزایش می‌یابد (سالواتوره، ۱۳۹۴: ۲۱). بر اساس رویکرد کارکردگرایی ساختاری، مرتن معتقد است وقتی افراد، ابزارهای مشروع برای رسیدن به اهداف را نداشته باشند، ممکن است برای رسیدن به اهداف خود راه‌های غیرقانونی و نامشروع را برگزینند. از آنجایی که این نظریه جرم را ناشی از وضعیت

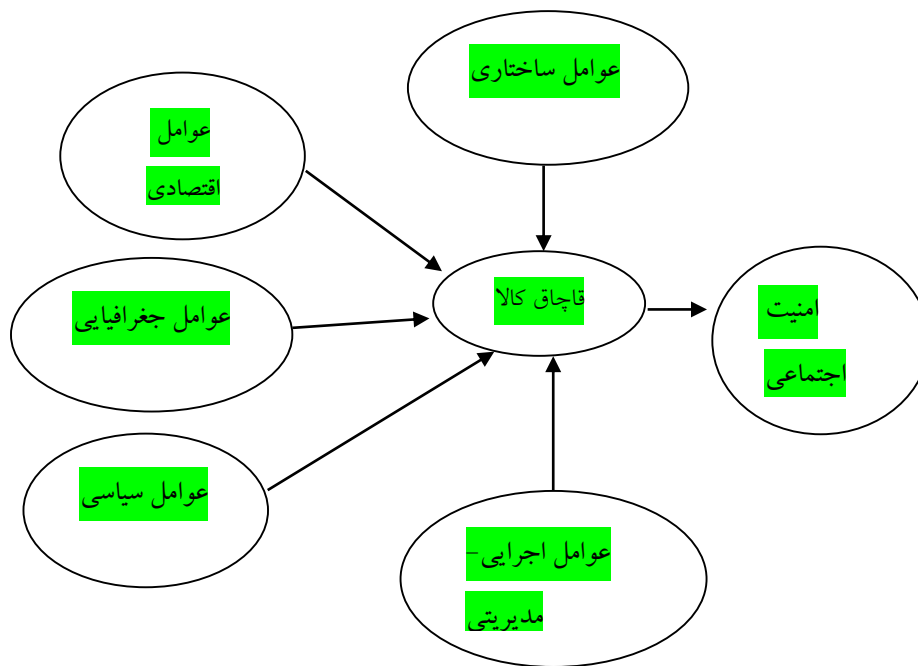
<sup>۱</sup> Aregbeyen

نابسامان اجتماعی از جمله فقر و محرومیت می‌داند، از این رو یکی از مهم‌ترین گرایش‌ها به قاچاق را فقر و بیکاری می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۴۱). مرتن عدم تعادل بین اهداف و وسایل دستیابی به این اهداف را مورد توجه قرار می‌دهد و بیان می‌دارد بین اهداف و ارزش‌های اقتصادی و فرهنگی یک تعادل وجود دارد و وقتی این تعادل به هم بخورد نظم اجتماعی از بین می‌رود و همین عدم تعادل، علت اصلی جرم از جمله قاچاق خواهد بود. اگر در جامعه ارزش‌های مادی و نیازهای روزافزون به انواع کالاها گسترش یابد، اما درآمد افراد برای دستیابی به این کالاها کافی نباشد، فرد را به فعالیت‌های مجرمانه اقتصادی از جمله قاچاق سوق می‌دهد (مرتن، ۲۰۰۳، ۶۷۵). به عبارت دیگر وقتی افراد یک جامعه برای برآوردن خواسته‌هایشان از طریق به کارگیری شیوه‌های پذیرفته شده فرهنگی و راه‌های قانونی، ناکام می‌شوند به سوی راه‌های غیرقانونی و انحرافی کشیده می‌شوند، به این ترتیب افراد، ثروت و قدرت را از طریق راه‌هایی چون قاچاق، فحشا، دزدی و ... به دست می‌آورند. به اعتقاد دورکیم، در زمان‌های رکود ناگهانی اقتصادی و یا رشد سریع اقتصادی، آشفتگی اجتماعی روی می‌دهد، لذا در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده و در مقابل از هم پاشیدگی هنجارها، آرزوهای بی‌حد و حصر اجتماعی و دائمی پدید آورده و فرد برای رسیدن به آرزوهای خود دست به فعالیت‌های مجرمانه از جمله قاچاق می‌زند. بر اساس نظریه فقر و رفاه دیویس، تمایل به فعالیت‌های مختلف در انسان‌ها وقتی بروز می‌کند که پس از یک مرحله رشد اقتصادی یک دوران رکود پیش‌آید، به طوری که در مرحله رشد اقتصادی انتظارات و نیازهای جدیدی در آن‌ها به وجود می‌آید که در عین حال ارضاء نمی‌شود و در مرحله رکود این انتظارات و نیازها متوقف نمی‌شود و یا عقب نمی‌رود بلکه همچنان رشد می‌یابد ولی امکانات گرچه در ابتدا با سرعت کمتری از

نیازها رشد می کند اما به زودی باز می ایستد، در نتیجه ناامیدی عمیق فرد را فرا می گیرد (دیویس، ۲۰۰۱: ۲۷۲). نظریه پردازان کنترل اجتماعی معتقدند که همه مردم ظرفیت گریز از قانون را دارند و جامعه مدرن فرصت های بسیاری برای فعالیت غیرقانونی فراهم آورده است. فرض اصلی این نظریه این است که ناهمخوانی و کجروی اجتماعی، نتیجه کمبود یا فقدان کنترل اجتماعی اعم از رسمی (قضات، ضابطین قضایی، پلیس، زندان و...) و غیر رسمی (خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و...) می باشد. به اعتقاد اسکار نیومن، عوامل فیزیکی با وقوع جرم ارتباط دارد. نظریه فضای قابل دفاع عواملی چون ایجاد قلمرو مناسب و بهبود موقعیت فیزیکی راه حل مقابله با جرم و احساس ناامنی می داند. مطابق نظریه امنیت وجودی گیدنز، دو وجه امنیت را مطرح می کند: امنیت در وجه عینی به شیوه زندگی نظر دارد، یعنی امکان زندگی برای تمامی افراد به گونه ای که در جوامع مدرن تعریف می شود، فراهم گردد و افراد جامعه از سطح قابل قبولی برای گذران زندگی و انتخاب شیوه زندگی بهره مند باشند. اما امنیت در وجه ذهنی به خشنودی و رضایت فرد از خویش نظر دارد که با چگونگی انتخاب راه و روش زندگی وی محقق می شود. بر اساس نظریه چلبی بر پایه نظرات پارسونز برای تبیین مفهوم امنیت اجتماعی می توان امنیت اجتماعی را این گونه تعریف کرد: مصونیت فرد در مقابل تهدیدهایی است که از جانب کنشگران دولتی و غیردولتی، جان، مال، فکر و توانایی افراد که بر اساس آن چهار بعد احساس امنیت اجتماعی را تهدید می کنند و عبارت اند از: امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت فکری و امنیت جمعی (نوری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۵). بررسی نظریه های مطرح شده و مطالعه پیشینه پژوهش بیانگر آن است که اکثر صاحب نظران در بیان علل و زمینه های شکل گیری قاچاق کالا معتقد به عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی، امنیتی می باشند که شرایط عمومی کشورها و سیاست هایی که در آن ها اتخاذ می گردد می تواند در گسترش آن ها نقش مهمی داشته باشد.

بر اساس متغیرهای انتخاب شده از نظریه های بالا و با توجه به ماهیت موضوع، به نظر می رسد که ترکیبی از نظریه های کارکردگرایی مرتن، دورکیم، کنترل اجتماعی، نظریه اقتصادی نورتن، دیویس در حوزه قاچاق کالا و دیدگاه نظری گیدنز، پارسونز و چلبی درباره امنیت چارچوب نظریهک مناسبی برای این پژوهش باشد. با توجه به هدف پژوهش که مبتنی بر شناسایی عوامل تأثیرگذار بر قاچاق کالا و همچنین تأثیر آن بر امنیت اجتماعی منطقه می باشد، مدل نظری پژوهش در زیر ارائه شده است. در این مدل قاچاق کالا تحت تأثیر عوامل و متغیرهای اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی، ساختاری، اجرایی-مدیریتی بوده و همچنین قاچاق کالا در مرحله بعد بر روی امنیت اجتماعی تأثیرگذار است.

### مدل تحقیق



## روش تحقیق

در این تحقیق از پیمایش به عنوان یکی از روش های مرسوم در تحقیق های کمی استفاده گردیده است. حجم نمونه آماری به صورت تمام شمار که شامل ۳۰ نفر از کارشناسان و مسئولان نیروی انتظامی در شهر بندرعباس که با مقوله قاچاق مرتبط بوده اند، می باشد. ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه است. به منظور اطمینان یافتن از این که، آیا ابزار پرسشنامه همان چیزی را می سنجد که مورد انتظار است، سؤال های طراحی شده را استادان و صاحب نظران مورد بررسی قرار دادند و اشکال های آن رفع گردید. در واقع این به آن معناست که به منظور اعتبار بخشی به پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده شده است. به منظور سنجش پایایی سوال های پرسشنامه از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج گویای آن بود که ضریب آلفای کرونباخ برای طیف عوامل اقتصادی ۰/۷۹۱، عوامل سیاسی ۰/۷۱۳، عوامل ساختاری ۰/۷۲۵، عوامل جغرافیایی ۰/۸۴۱، عوامل اجرایی - مدیریتی ۰/۷۴۶، ناامنی ۰/۸۷۸ بوده است. با توجه به مقادیر محاسبه شده آلفای کرونباخ، گویه های مربوط به متغیرها از قابلیت اعتماد لازم برخوردار بوده و در پرسشنامه نهایی از سؤال های استفاده گردید. به منظور تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و ابزارهای آمار استنباطی استفاده شد.

## تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی یعنی آرامش و آسودگی خاطری که جامعه برای اعضای خود ایجاد می کند. امنیت به معنی مصونیت حقوق فرد از هر نوع تعرض است و چنین مفهومی از امنیت، مقوله های مصالح عمومی، عدالت، آزادی، رفاه و ... را در برمی گیرد (حیدری فر و حیدری، ۱۳۹۳: ۱۵۹). در این تحقیق، متغیر امنیت اجتماعی در قالب ۱۲ سؤال ساخته و به صورت طیف لیکرت سنجیده شد. پاسخ ها به صورت خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم مشخص و با توجه به مفهوم سؤال ها، کدگذاری شدند.

قاچاق کالا: کلمه قاچاق از کلمه ترکی "قاچماق" مشتق شده و به معنای ربوده یا برده است. در لغت نامه دهخدا این کلمه "آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است" معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۱: ۱۸). قاچاق عبارت است از یک جرم کیفری که قانون گذار در قوانین موضوعه از جمله قوانین نحوه اعمال تعزیرات برای قاچاق کالا و ارز و مرتکبین قاچاق، مجازاتهایی از قبیل ضبط کالا، جریمه، حبس یا انهدام آن پیش بینی کرده است (مستجابی سرهنگی و صادقی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). قاچاق پدیده ای تک علتی نیست، بلکه محصول و پیامد مجموعه ای از عوامل اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی، ساختاری و مدیریتی می باشد. عوامل اقتصادی عبارتند از: نرخ بالای بیکاری، درآمد بالای قاچاق، فقر و تنگدستی ساکنان مرزی، وجود فاصله اقتصادی بین دو کشور همسایه. در پژوهش حاضر عوامل اقتصادی با استفاده از ده گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. عوامل جغرافیایی شامل: موقعیت محوری و ترانزیتی ایران، جغرافیای طبیعی مناطق مرزی، طول مرزهای ایران، کنترل ناکافی مرزها، دسترسی آسان به کشورهای همسایه. عوامل جغرافیایی در پژوهش حاضر با استفاده از شش گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. در عوامل سیاسی می توان به این موارد اشاره کرد: حضور و اشغال نیروهای بیگانه در کشور همسایه، وضعیت روابط سیاسی با کشورهای همسایه، تعدد همسایگان. در پژوهش حاضر با استفاده از پنج گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. عوامل ساختاری به قوانین، مقررات، سیستم ها و روش های انجام امور مربوط می شود که شامل: سیستم نامناسب مالیات در کشور، ناهماهنگی بین سیاستهای اقتصادی، اخذ تعرفه گمرکی و سود بازرگانی بالا از واردات کالا و... می باشد. عوامل ساختاری در پژوهش حاضر با استفاده از هشت گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. عوامل اجرایی-مدیریتی عبارتند از: عدم رعایت قواعد و مقررات گمرکی، عدم نظارت صحیح سرپرستان و مدیران سازمان های مسئول مبارزه با

قاچاق، پایین بودن مجازات، فقدان سیستم کنترل و افشای درآمدهای نامشروع کلان در کشور. در پژوهش حاضر عوامل اجرایی-مدیریتی با استفاده از شش گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

### یافته ها

جدول شماره ۱ نشان می دهد از میان عوامل تأثیرگذار بر قاچاق کالا، عوامل اقتصادی دارای بالاترین تأثیر و عوامل سیاسی دارای کمترین تأثیر بر قاچاق کالا می باشند. در گویه عوامل اقتصادی بیشترین تأثیر مربوط به وجود بیکاری، در گویه عوامل ساختاری بیشترین تأثیر مربوط به قیمت گذاری نامناسب دولتی، در گویه عوامل سیاسی، عدم نظارت صحیح بر مرزها، در گویه عوامل اجرایی-مدیریتی، عدم نظارت صحیح سرپرستان و مدیران سازمان های مسئول مبارزه با قاچاق کالا و در گویه عوامل جغرافیایی، کنترل ناکافی مرزها مهم ترین و تأثیرگذارترین عوامل هستند.

جدول ۱- نتایج آزمون میانگین و انحراف معیار عوامل مؤثر بر گسترش قاچاق کالا

متغیر	میانگین	انحراف معیار
عوامل اقتصادی	۳۵/۷۶	۶/۵۴
عوامل سیاسی	۱۵/۷۳	۳/۲۳
عوامل ساختاری	۲۸/۳۶	۵/۱۶
عوامل جغرافیایی	۲۱/۱۶	۵/۱۶
عوامل اجرایی-مدیریتی	۲۲/۰۰	۴/۸۱



جدول ۲- رتبه بندی شاخص های مؤثر بر قاچاق کالا

رتبه	شاخص	میانگین	انحراف معیار
۱	کنترل ناکافی مرز ها و عدم نظارت صحیح بر آن	۴/۱۰	۰/۹۵۹
۲	عدم نظارت صحیح سرپرستان و مدیران سازمان های مسئول مبارزه با قاچاق کالا	۴/۱۰	۱/۰۲
۳	قیمت گذاری نامناسب دولتی	۴/۰۳	۱/۲۷
۴	نرخ بالای بیکاری	۳/۹۳	۰/۹۴۴
۵	بالا بودن نرخ بهره بانکی	۳/۹۳	۰/۹۸۰
۶	درآمد بالای قاچاق	۳/۹۰	۱/۰۲
۷	تفاوت قیمت کالاها در داخل و خارج	۳/۹۰	۱/۰۲
۸	عدم رعایت قواعد و مقررات گمرکی	۳/۹۰	۱/۰۶
۹	ممنوعیت ورود بعضی از کالاها	۳/۸۳	۰/۸۷۴
۱۰	دسترسی آسان به کشورهای همسایه	۳/۶۶	۱/۲۱
۱۱	فساد اداری	۳/۶۳	۱/۳۷
۱۲	اخذ تعرفه گمرکی و سود بازرگانی بالا از واردات کالا	۳/۶۳	۱/۱۲
۱۳	ضعف حاکمیت کشورهای همسایه	۳/۶۳	۰/۸۰۸
۱۴	موقعیت و فضای مناسب قاچاق در کشورهای همسایه	۳/۶۰	۱/۰۶
۱۵	سیستم نامناسب مالیات در کشور	۳/۵۶	۰/۹۷۱
۱۶	ناهماهنگی بین سیاست های اقتصادی	۳/۵۶	۱/۱۳

۱۷	فقدان سیستم کنترل و افشای درآمد های نامشروع کلان در کشور	۳/۴۶	۱/۳۳
۱۸	نامناسب بودن سیاست های تجاری دولتی	۳/۴۶	۱/۱۳
۱۹	وجود انحصارات دولتی و نهاد های عمومی در صادرات و واردات کالا	۳/۴۶	۱/۱۳
۲۰	پایین بودن مجازات	۳/۴۳	۱/۳۳
۲۱	طول مرز های ایران	۳/۳۶	۱/۰۹
۲۲	جغرافیای طبیعی مناطق مرزی	۳/۲۶	۱/۲۵
۲۳	موقعیت محوری و استراتژیکی ایران	۳/۱۶	۱/۲۸

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای پژوهش

گویه	خیلی کم	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
تأثیر افزایش رانت خواری ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی	۱	۳/۳	۶	۱۱	۸	۳/۷۰
تأثیر افزایش ثروت و قدرت نامشروع ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی	۲	۶/۷	۷	۹	۷	۳/۴۶
تأثیر افزایش تورم ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی	۲	۶/۷	۱۱	۷	۱۰	۳/۸۳

۳/۹۳	۱۳	۷	۶	۳	۱	تأثیر افزایش بی عدالتی ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی
	۴۳/۳	۲۳/۳	۲۰/۰	۱۰/۰	۳/۳	
۴/۲۶	۱۲	۱۵	۲	۱	----	تأثیر افزایش بیکاری ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی
	۴۰/۰	۵۰/۰	۶/۷	۳/۳	-	
۳/۴۶	۷	۱۰	۶	۴	۳	تأثیر وابستگی اقتصادی ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی
	۲۳/۳	۳۳/۳	۲۰/۰	۱۳/۳	۱۰/۰	
۴/۴۶	۱۷	۱۰	۳	----	----	تأثیر افزایش جرم ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی
	۵۶/۷	۳۳/۳	۱۰/۰	-	-	
۴/۱۳	۱۱	۱۴	۴	----	۱	تأثیر افزایش تزلزل خانواده ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی
	۳۶/۷	۴۶/۷	۱۳/۳	-	۳/۳	
۳/۷۳	۱۰	۶	۱۱	۲	۱	تأثیر افزایش بی میلی به زندگی ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی
	۳۳/۳	۲۰/۰	۳۶/۷	۶/۷	۳/۳	
۴/۱۳	۱۵	۷	۵	۳	----	تأثیر افزایش خشونت ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی
	۵۰/۰	۲۳/۳	۱۶/۷	۱۰/۰	-	

۴/۱۰	۱۳ ۴۳/۳	---- -	۱۱ ۳۶/۷	۴ ۱۳/۳	۲ ۶/۷	تأثیر افزایش هنجارشکنی ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی
۴/۰۰	۱۲ ۴۰/۰	۹ ۳۰/۰	۶ ۲۰/۰	۳ ۱۰/۰	----	تأثیر افزایش فشارهای روانی ناشی از قاچاق کالا در ناامنی اجتماعی

همان گونه که داده های جدول ۴ نشان می دهد ضریب همبستگی بین عوامل اقتصادی و قاچاق کالا  $R=0/697$  به دست آمده که بیانگر وجود همبستگی مثبت بین متغیرهاست. مقدار  $R^2=0/485$  نشان می دهد که عوامل اقتصادی ۴۸/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می کند. همین مقدار برای کل جامعه آماری ۴۶/۷ درصد است.

ضریب همبستگی به دست آمده بین عوامل جغرافیایی و قاچاق کالا  $R=0/776$  می باشد که بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر است. با توجه به مقدار  $R^2=0/602$  می توان گفت عوامل جغرافیایی ۶۰/۲ درصد از متغیر وابسته را در نمونه و تنها با کمی کاهش یعنی ۵۸/۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه آماری تبیین می کند.

ضریب همبستگی به دست آمده بین عوامل سیاسی و قاچاق کالا  $R=0/641$  می باشد که گویای وجود همبستگی بین عوامل سیاسی و قاچاق کالا می باشد. مقدار  $R^2=0/411$  نشان می دهد که عوامل سیاسی ۴۱/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می کند. درصد تبیین واریانس متغیر وابسته توسط عوامل سیاسی در کل جامعه آماری نیز ۳۹ درصد می باشد.

با توجه به نتایج جدول ۴ همبستگی بین عوامل ساختاری و قاچاق کالا  $R=0/620$  به دست آمد که نشان دهنده وجود رابطه بین دو متغیر یاد شده می باشد. مقدار  $R^2=0/385$

نشان می دهد که عوامل ساختاری ۳۸/۵ درصد واریانس متغیر وابسته را در نمونه مورد مطالعه و تنها با کمی کاهش ۳۶/۳ درصد واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه آماری تبیین می کند.

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۴ میان عوامل اجرایی-مدیریتی و قاچاق کالا همبستگی نسبتاً ضعیفی  $R=0/163$  وجود دارد. با توجه به مقدار  $t=0/874$  و سطح معنی داری  $sig=0/389$  این فرضیه تأیید نمی شود.

جدول ۴- آزمون رابطه عوامل اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی، ساختاری، اجرایی-مدیریتی و قاچاق کالا

متغیر	R	R <sup>2</sup>	Adj. R <sup>2</sup>	اشتباه استاندارد	B	بتا	F	t	Sig
عوامل اقتصادی	۰/۶۹۷	۰/۴۸۵	۰/۴۶۷	۱/۷۲۵	۱/۴۷	۰/۶۹۷	۳۹۲	۱/۱۳۷	۰/۰۰۰
عوامل جغرافیایی	۰/۷۷۶	۰/۶۰۲	۰/۵۸۸	۱/۹۵۲	۰/۳۲	۰/۷۷۶	۳۰۴	۱/۵۰۴	۰/۰۰۰
عوامل سیاسی	۰/۶۴۱	۰/۴۱۱	۰/۳۹۰	۱/۷۵۲	۰/۹۹۴	۰/۶۴۱	۵۳۳	۱/۴۲۰	۰/۰۰۰
عوامل ساختاری	۰/۶۲۰	۰/۳۸۵	۰/۳۶۳	۱/۰۹۹	۰/۴۲۳	۰/۶۲۰	۵۰۷	۱/۱۸۴	۰/۰۰۰

عوامل	۱۶۳	۰/۰۲۷	۰/۰۰۸	۲/۲۴۹	۰/۶۸۳	۰/۱۶۳	۰/۷۶۵	۰/۸۷۴	۰/۳۸۹
اجرائی	۰	۰	-	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مدیری									
تی									

جدول شماره ۵ رابطه میان قاچاق کالا و ناامنی اجتماعی را بر اساس ضریب همبستگی نشان می دهد. نتایج گویای آن است که قاچاق کالا همبستگی نسبتاً بالایی با ناامنی دارد ( $R=0/529$ ). با توجه به مقدار  $R^2=0/279$ ، قاچاق کالا ۲۷/۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می کند که این میزان برای کل جامعه آماری ۲۵/۴ درصد می باشد. مقدار  $Beta=0/529$  رابطه مثبت و مستقیم را میان دو متغیر نشان می دهد. مقدار  $B=0/213$  نشان می دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل ۰/۲۱۳ واحد به متغیر وابسته اضافه می شود. با توجه به مقدار  $T=3/295$  و سطح معناداری  $Sig=0/003$  رابطه میان این دو متغیر معنادار می باشد.

جدول ۵- آزمون رابطه بین متغیر قاچاق کالا و ناامنی اجتماعی

متغیر	R	$R^2$	Adj. $R^2$	اشتباه استاندارد	B	بتا	F	t	Sig
قاچاق کالا	۰/۵۲۹	۰/۲۷۹	۰/۲۵۴	۷/۰۳۱	۰/۲۱۳	۰/۵۲۹	۱/۸۶۰	۰/۲۹۵	۰/۰۰۳

رگرسیون چندمتغیره

جدول ۶- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره برای پیش بینی متغیر وابسته به روش مرحله به مرحله

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	Adj.R <sup>2</sup>	اشتباه استاندارد	F
عوامل جغرافیایی	۰/۷۷۶	۰/۶۰۲	۰/۵۸۸	۱۲/۹۵۲	۴۲/۳۰۴
عوامل ساختاری	۰/۸۸۹	۰/۷۹۱	۰/۷۷۵	۹/۵۵۶	۵۱/۰۷۲
عوامل سیاسی	۰/۹۲۹	۰/۸۶۳	۰/۸۴۷	۷/۸۷۶	۵۴/۷۰۲
عوامل اقتصادی	۰/۹۶۵	۰/۹۳۱	۰/۹۲۰	۵/۷۱۰	۸۴/۱۶۴
عوامل اجرایی- مدیریتی	۰/۹۸۳	۰/۹۶۶	۰/۹۵۹	۴/۰۷۶	۱۳۷/۱۴۳

همچنان که از ارقام جدول ۶ مشخص می شود، پس از وارد شدن تمام متغیرها، در نهایت پنج متغیر وارد معادله شده اند که در جدول مشخص می باشد. همانگونه که مشاهده می شود متغیرهای مدل قادر به پیش بینی ۹۶/۶ درصد از تغییرهای واریانس متغیر وابسته می باشند. با توجه به مقادیر بتا، از میان متغیرها، متغیر عوامل جغرافیایی با میزان بتای ۰/۷۷۶ توانسته است بیشترین مقدار از واریانس قاچاق کالا را تبیین و پیش بینی کند، بنابراین تأثیرگذارترین متغیر در قاچاق کالا می باشد. متغیر عوامل ساختاری با بتای

۰/۴۵۰ و عوامل اقتصادی با بتای ۰/۳۲۶ در رتبه دوم و سوم و عوامل اجرایی-مدیریتی با بتای ۰/۱۹۹ کمترین تأثیر بر قاچاق کالا در استان داشته است.

جدول ۷- ضرایب متغیرهای معادله پیش بینی متغیر وابسته

نام متغیر	B	بتا	t	Sig
عوامل جغرافیایی	۳/۰۳۲	۰/۷۷۶	۶/۵۰۴	۰/۰۰۰
عوامل ساختاری	۱/۷۵۹	۰/۴۵۰	۴/۹۴۳	۰/۰۰۰
عوامل سیاسی	۱/۹۴۷	۰/۳۱۳	۳/۷۰۷	۰/۰۰۰
عوامل اقتصادی	۱/۰۰۵	۰/۳۲۶	۴/۹۴۶	۰/۰۰۰
عوامل اجرایی-مدیریتی	۰/۸۳۳	۰/۱۹۹	۵/۰۰۶	۰/۰۰۰

### بحث و نتیجه گیری

امنیت اجتماعی مقوله ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم و شریک هستند، وقتی امنیت اجتماعی تأمین باشد، به گونه طبیعی حقوق افراد جامعه و شهروندان آن تضييع نمی شود و طبقات اجتماعی به یکدیگر ظلم نمی کنند. عامل امنیتی یکی از عوامل مهمی است که هم در بروز قاچاق کالا نقش دارد و هم یکی از پیامدهای مهم آن است.

پدیده قاچاق یکی از عوامل تهدیدکننده نظم و امنیت در جامعه می باشد. افزون بر پیامدهای اقتصادی و اجتماعی یکی از مهم ترین پیامدهای قاچاق گسترش ناامنی است. با شیوع و توسعه قاچاق در یک منطقه به ویژه مناطق مرزی به دلیل عرصه عمل و فعالیت باندهای قاچاق و مافیایی، فضای منطقه امنیتی می شود و زندگی مردم عادی و امنیت



منطقه را تحت تأثیر قرار می دهد. از جمله پیامدهای قاچاق بر امنیت جامعه، ایجاد اختلال در امر اقتصادی، خانواده، فرهنگ، افزایش جرم، خشونت ها و جنایات سازمان یافته و ... می توان نام برد که هر کدام به نوبه خود نیازمند بررسی های دقیق تری است. این پژوهش با هدف بررسی و شناسایی تأثیر قاچاق کالا بر امنیت اجتماعی در استان هرمزگان انجام شد. جامعه آماری شامل ۳۰ نفر از کارشناسان و مسئولان نیروی انتظامی در شهر بندرعباس که با مقوله قاچاق مرتبط بوده اند، می باشد. از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده ها بهره گرفته شد. داده های گردآوری شده از نظر آماری برای آزمون فرضیه ها مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج زیر به دست آمد.

### پاسخ سوال فرعی اول:

در پاسخ به این سؤال عوامل مؤثر بر قاچاق کالاچه می باشند، نتایج پژوهش حاکی از آن است که از مهم ترین و تأثیرگذارترین عوامل قاچاق کالا در استان، کنترل ناکافی مرزها و عدم نظارت صحیح بر آن، عدم نظارت صحیح سرپرستان و مدیران سازمان های مسئول مبارزه با قاچاق کالا، قیمت گذاری نامناسب دولتی، نرخ بالای بیکاری، درآمد بالای قاچاق می باشد. از میان عوامل تأثیرگذار، عوامل اقتصادی دارای بالاترین تأثیر و عوامل سیاسی دارای کمترین تأثیر بر قاچاق کالا می باشد.

یافته های این تحقیق نشان می دهد که میان عوامل ساختاری، سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، اجرایی-مدیریتی و قاچاق کالا رابطه معناداری وجود دارد. در این زمینه نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق های مسعودی و میرزائی (۱۳۹۳)، جان پرور و قصری (۱۳۹۳)، کریم زاده (۱۳۹۵)، سعدی (۱۳۹۶)، حراقی و همکاران (۱۳۹۹) هماهنگ می باشد.

### پاسخ سوال فرعی دوم:

در پاسخ به این سؤال که آیا بین قاچاق کالا و امنیت اجتماعی رابطه ای وجود دارد؟ بر اساس نتایج پژوهش می توان گفت که بین قاچاق کالا و امنیت اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد و با افزایش قاچاق کالا، امنیت اجتماعی کاهش پیدا می کند.

به طور کلی با استفاده از رگرسیون چند متغیره، به شیوه مرحله به مرحله مشخص شد که پنج متغیر بیشترین تأثیر را بر قاچاق کالا دارند. این پنج متغیر که در پنج مرحله وارد معادله شدند عبارتند از: عوامل جغرافیایی، ساختاری، سیاسی، اقتصادی و اجرایی-مدیریتی. در مجموع پنج متغیر یاد شده توانستند ۹۶/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند.

پدیده و موضوع "قاچاق کالا" دهها سال است که به عنوان دغدغه مسئولین نظام ج.ا.ا. قرار داشته و ستادهای عریض و زیادی در سازمان و کشور برای مبارزه با این پدیده شوم تشکیل شده است و همانگونه که از نتایج این پژوهش نیز مشخص است عوامل زیادی در بروز این پدیده تأثیر گذار می باشند. اما عامل مهمی که در این مقاله به خوبی به آن پرداخته نشده و به دلیل آنکه جامعه و نمونه آماری تحقیق فقط محدود به همکاران عزیز نیروی انتظامی بوده است. کمتر مورد تأکید قرار گرفته است.

موضوع "قیمت گذاری دستوری" در مورد بسیاری از کالاها و خدمات به ویژه در مورد (دلار) و کالاهای اساسی (مانند بنزین و انواع مختلف انرژی و ...) می باشد.

چراکه وقتی قیمت های کالا توسط دولت سرکوب می شوند و به بهانه حمایت از انتشار آسیب پذیر و کاهش قیمت ها در بازار قیمت برخی کالاهای اساسی و راهبردی کمتر از قیمت های بازارهای بین المللی و حتی بازار آزاد در کشورمان تعیین می شود، به طور طبیعی یک تفاوت و شکاف قیمت بین کالاها در دو طرف مرزهای ج.ا.ا. ایران شکل می گیرد و به طور طبیعی بسیاری از مردمان ساکن در دو طرف مرز (تاکید می شود هم ساکنین کشور خودمان و هم کشورهای همجوار و همسایه) به دلایل مختلف از جمله کسب درآمد بادآورده اقدام به قاچاق کالا در دو طرف مرز نمایند.

بنابراین عامل انتقادی به ویژه قیمت گذاری نادرست کالاها در داخل کشور عامل اصلی و مهم برای ایجاد پدیده قاچاق در مرزهای کشور است. به عنوان نمونه هنگامی که از دولت آقای دکتر احمدی نژاد قیمت حامل های انرژی به ویژه بنزین و گازوئیل با پرداخت

یارانه به قیمت های جهانی نزدیک شد، پدیده قاچاق سوخت در مرزهای کشور به شدت کاهش یافت و قاچاقچیان و بسیاری از مرزنشینان انگیزه ای برای قاچاق سوخت نداشتند و ستادهای مبارزه با قاچاق تمرکز خود را روی سایر اقلام به ویژه کالاهای ممنوعه ( سلاح و مواد مخدر و...) گذاشتند. بنابراین یکی از پیشنهادهای اساسی که بیشتر انتقاددانان کشور نیز بر آن تاکید دارند پرهیز دولت از ورود به امر قیمت گذاری کالاها و خدمات و سرکوب کردن قیمت ها می باشد.

### پیشنهادهایی برای پژوهش های آتی:

- ۱- بررسی روش های مناسب اطلاع رسانی درست و مناسب از طریق رسانه های جمعی جهت آگاه کردن مردم از آثار سوء قاچاق کالا برای کشور و منطقه و در نهایت تشویق آنان به مشاغل جایگزین و مناسب دیگر.
- ۲- چگونگی تقویت تعاونی ها و بازارچه های مرزی به منظور کاهش اقتصاد زیرزمینی؟
- ۳- روش های مناسب فرهنگ سازی در ارتباط با مصرف کالاهای داخلی؟
- ۴- چگونگی نظارت بر تبلیغات کالاهای خارجی از طریق رسانه های جمعی؟
- ۵- بررسی پیامدهای قیمت گذاری دستوری توسط دولت که موجب ناترازی قیمت کالاها در بین کشور ما باشد ما با کشورهای همسایه می گردد و روش های حل این مشکل.

### پیشنهادهای اجرایی

- ۱- پیشگیری از قاچاق کالا با مساعی نهادهای مختلف جامعه که با پدیده مذکور در ارتباط هستند، میسر است. چنانکه پدیده قاچاق برگرفته از عوامل مختلفی است و ارائه یک مدل پیشگیری جز با موثر دانستن همه نهادهای مرتبط، ممکن

نیست. از طرف دیگر راهکارهای پیشگیری از قاچاق کالا به وسیله کاهش عوامل تحریک قاچاق کالا محقق می‌شود و مسایلی مانند برخورد سریع و قاطع با سرشاخه‌های اصلی قاچاق بالاترین تأثیر را در پیشگیری از قاچاق کالا دارد.

۲- برگزاری نشست‌های علمی پیرامون تأثیر قاچاق کالا بر حوزه‌های امنیت در ابعاد گوناگون

۳- مبارزه با قاچاق کالا منطقه‌ای و جزءنگر نیست و تا ساختار کلان اقتصادی اصلاح نشود امکان ریشه‌کنی این پدیده وجود ندارد. تا زمانی که اقتصاد بسته و تفاوت قیمت داخل و خارج از کشور بالا باشد قاچاق سودآور می‌شود با اصلاحات کلان باید در مرحله اول سودآوری قاچاق کالا به حداقل برسد. مبارزه با قاچاق کالا می‌بایستی به صورت جدی در دستور کار دولت قرار گیرد و مبارزه با آن احتیاج به یک مدیریت همه‌جانبه و جهادی دارد و در صورت کنترل آن پیامدهایی از جمله ثبات سیاسی، بالا رفتن سلامت نظام اداری و حقوقی، کاهش خشونت سیاسی و ... را در پی خواهد داشت.

۴- حمایت از تولید داخل، افزایش کیفیت تولیدات داخلی و اصلاح قوانین و مقررات واردات و صادرات می‌تواند بسیار مؤثر باشد. بیان این نکته ضروری است در مبارزه با قاچاق کالا، سازمان‌های مختلفی همچون گمرک، سازمان بنادر و دریانوردی، تعزیرات حکومتی، دادگستری، مرزبانان دریایی، نیروی انتظامی، نیروهای مسلح، وزارت اطلاعات و ... مرتبط هستند. هر چند طبق قوانین و مقررات تا حدودی وظیفه هر ارگان در مبارزه با قاچاق کالا مشخص شده است ولی باز هم به دلیل مشخص نکردن حدود دقیق این وظایف و اختیارات در برخی از موارد تداخل وظایف این سازمان در امر مبارزه با قاچاق مشاهده می‌شود به گونه‌ای که در برخی موارد مشاهده شده است که بخشی از مرزهای دریایی را مرزبانی نیروی انتظامی و بخشی دیگر را نیروی دریایی سپاه

کنترل می کند، افزون بر این کنترل برخی از گلوگاه های ورود و خروج کالا بر عهده تعزیرات حکومتی و برخی از گلوگاه ها بر عهده دادگستری ها است. بنابراین چندین دستگاه اجرایی در زمینه مبارزه با قاچاق کالا مسئولیت دارند. بنابراین همکاری و هماهنگی این دستگاه ها و تعیین جایگاه هر یک از نهادهای مرتبط با آن ها در مبارزه با قاچاق کالا از مهم ترین نکاتی است که باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد.

۵- راه اندازی سامانه های اطلاعاتی شفافیت در حوزه های مختلف و مدیریت و به روزرسانی آن، برای کشف و شناسایی کالاهای قاچاق مورد تاکید است. بنابراین همکاری و هماهنگی این دستگاه ها و تعیین جایگاه هر یک از نهادهای مرتبط با آن ها در مبارزه با قاچاق کالا از مهم ترین نکاتی است که باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد.

۶- شناسایی روش های مناسب برای مقابله با قاچاق، تقویت و تجهیز واحدهای اجرایی مبارزه با قاچاق کالا و نیز استفاده از نظام اطلاعات جغرافیایی در مدیریت و برنامه ریزی مبارزه با قاچاق.

۷- ایجاد اشتغال و درآمد پایدار در حوزه های شهری و روستایی، از این طریق دولت می تواند با سرمایه گذاری و همچنین صرف بخشی از اعتبارات مبارزه فیزیکی با قاچاق کالا و انسداد مرزها از طریق سرمایه گذاری های مولد هم باعث کاهش بیکاری و هم ایجاد منبع درآمدی برای خانوارها و ارتقاء وضعیت معیشتی مردم منطقه شود.

۸- ارائه تسهیلات جهت گسترش مبادلات اقتصادی به صورت رسمی جهت کاهش مبادلات غیر رسمی.

۹- تشدید مجازات در برخورد با قاچاقچیان.

۱۰- افزایش همکاری های بین المللی برای کاهش تردد قاچاق از مسیر ایران.

۱۱- تفاهم و هماهنگی با کشورهای همسایه برای مراقبت از مرزهای مشترک

### پیشنادهای کاربردی

- ۱- حمایت و ایجاد کارگاه های کوچک تعاونی در مناطق روستایی.
- ۲- برای جلوگیری از قاچاق کالا می توان مشاغلی ایجاد کرد که جایگزینی مناسب برای آن باشد. هدف اصلی از فعالیت قاچاق، ایجاد درآمد است که فرد به خاطر بیکاری و از روی ناچاری به آن روی آورده است. بنابراین باید جایگزینی برای آن باشد که فرد بتواند از طریق آن معیشت خود و خانواده اش را بگذراند. در این زمینه می توان با سرمایه گذاری بر روی بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات اشتغال ایجاد کرد و درآمد ساکنان را افزایش داده و در نهایت شرایط رشد و توسعه فراهم کرد.
- ۳- حمایت سازنده از تولیدات داخلی و تقویت انگیزه بازرگانان به واردات قانونی.
- ۴- توسعه و تکمیل سامانه های ردیابی (GPS) کامیون های ترانزیتی، ساماندهی و نظارت بر ترانزیت کالا در قلمرو استان راهبرد دیگری برای مقابله با قاچاق کالا می باشد.
- ۵- تشدید مبارزه با پولشویی
- ۶- در نظر گرفتن مجازات های قانونی سنگین به منظور پیشگیری از تحقق قاچاق و برخورد قاطعانه با مجرمین.
- ۷- برقراری ارتباط نزدیک تر با کشورهای و ایجاد سیستم یکسان در مبارزه با قاچاق کالا.

**منابع****الف) منابع فارسی**

- ۱- افشنگ، راشد، شیرخانی، علی، ترابی، محمد (۱۴۰۰). تدوین الگوی امنیتی- اطلاعاتی ج.ا.ایران بر اساس اندیشه های مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، دوره ۱۹، شماره ۴، شماره پیاپی ۷۶، دی، صص ۹۷-۱۲۱ [https://ds.sndu.ac.ir/article\\_1858.html](https://ds.sndu.ac.ir/article_1858.html)
- ۲- اصلانی اسلمرز، عابد، دیندارلو، سعید، اصلانی اسلمرز، امید (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنشینان بانه ای به قاچاق کالا (زمینه ها و راه کارها)، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲، شماره پیاپی ۲، مرداد، صص ۳۳-۵۶ [http://sopra.jrl.police.ir/article\\_33638.html](http://sopra.jrl.police.ir/article_33638.html)
- ۳- التیامی نیا، رضا (۱۴۰۰). اقتصاد سیاسی قاچاق کالا و پیامدهای امنیتی و سیاسی آن در ایران، فصلنامه جغرافیا ( برنامه ریزی منطقه ای)، دوره ۱۱، شماره ۴۳، مرداد، صص ۴۴۹-۴۶۹ [https://www.jgeoqeshm.ir/article\\_132373.html](https://www.jgeoqeshm.ir/article_132373.html)
- ۴- بوزان، باری (۱۳۸۹). مردم، دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۵- جان پرور، محسن، قصری، محمد (۱۳۹۳). تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا در طول مرزها راهبرد اولیه مدیریت مرزهای ایران، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، دوره ۲، شماره ۷، مهر، صص ۵۵-۸۶ [http://pogra.jrl.police.ir/article\\_9657.html](http://pogra.jrl.police.ir/article_9657.html)
- ۶- حراقی، مسعود، درویشی، علی، حراقی، مریم (۱۳۹۹). بررسی علل گرایش برخی از مرزنشینان به قاچاق کالا، مطالعه موردی: استان مرزی بوشهر، فصلنامه

- علوم و فنون مرزی، دوره ۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۳، تیر، صص ۱۲۳-۱۵۴.  
[http://bst.jrl.police.ir/article\\_94869.html](http://bst.jrl.police.ir/article_94869.html)
- ۷- حیدری فر، محمدرئوف، حیدری، شهریار (۱۳۹۳). بررسی آثار و پیامدهای امنیتی قاچاق کالا (با تأکید بر مناطق مرزی استان کرمانشاه)، فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره ۱۲، شماره ۴، شماره پیاپی ۴۸، اسفند، صص ۱۵۱-۱۹۳.  
[https://ds.sndu.ac.ir/article\\_685.html](https://ds.sndu.ac.ir/article_685.html)
- ۸- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۱). لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- زراء نژاد، منصور، ابراهیمی، صالح (۱۳۹۱). قاچاق کالا در ایران و رابطه آن با اقتصاد رسمی، دو فصلنامه بررسی های حقوقی، سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان، صص ۱۳-۵۰.  
<https://www.magiran.com/volume/82580>
- ۱۰- سالواتوره، دومینیک (۱۳۹۴). نظریه و مسائل اقتصاد بین الملل، ترجمه هدایت ایران پرور و حسن گلریز، تهران: نشر نی
- ۱۱- ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۸۸). نگاهی به سند ملی راهبردی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دو ماهنامه پژوهشی- تحلیلی اقتصاد پنهان، شماره ۶ و ۷، فروردین تا تیر، صص ۸-۱۲.
- ۱۲- سعدی، سیما (۱۳۹۶). واکاوی و تحلیل عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهرستان مریوان)، دو ماهنامه اقتصاد پنهان، سال دوم، شماره ۴، شهریور-آذر، صص ۷۴-۹۸.  
[http://hem.epe.ir/article\\_93780.html](http://hem.epe.ir/article_93780.html)
- ۱۳- صمدیان، منیرالسادات، کلاکی، حسن، براتی مصلح، محمدسعید (۱۳۹۳). پیامدهای قاچاق کالا از منظر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۵، شماره ۳۸، تیر، صص ۱۳-۳۶.  
[http://sss.jrl.police.ir/article\\_11962.html](http://sss.jrl.police.ir/article_11962.html)



- ۱۴- عیسی آبادی، ابوالفضل، شاه قلعه، صفی اله (۱۳۹۲). ژئوپلتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۸، شماره ۲، صص ۴۹-۶۸. <http://georesearch.ir/article-1-472-fa.html>
- ۱۵- قراگوزلو، هادی (۱۳۹۶). تحلیل عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در ایران، دو ماهنامه اقتصاد پنهان، سال دوم، شماره ۲، بهار، صص ۷۰-۸۸. <https://www.magiran.com/paper/2003263>
- ۱۶- قلی زاده، سیدابراهیم، علی پور، عباس، ذوقی بارانی، کاظم (۱۳۸۹). علل و پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۱۲، شماره ۴، دی، صص ۱۰۹-۱۴۲. [http://pok.jrl.police.ir/article\\_97044.html](http://pok.jrl.police.ir/article_97044.html)
- ۱۷- کریم زاده، مجید (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد شهرستان مرزی سراوان، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۸، شماره ۲، شهریور، صص ۱۷-۳۲. [http://sopra.jrl.police.ir/article\\_59001.html](http://sopra.jrl.police.ir/article_59001.html)
- ۱۸- کندری، امیر، صادقی، سیدحسین (۱۴۰۱). مبارزه با قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی و اجتماعی جامعه، فصلنامه علمی کارآگاه، دوره ۱۶، شماره ۵۸، فروردین، صص ۴۹-۷۴. [http://det.jrl.police.ir/article\\_97889.html](http://det.jrl.police.ir/article_97889.html)
- ۱۹- کهزادی، محبوبه، کهزادی باصری، معصومه (۱۳۹۹). نقش ضابطان دادگستری و تعاونی های مرزی در پیشگیری و کنترل قاچاق کالا و ارز، فصلنامه قانون یار، دوره ۴، شماره ۱۵، پاییز، صص ۷۳۷-۷۶۵. <https://ensani.ir/fa/article/451064>

- ۲۰- کهنه پوشی، سید هادی، شایان، حمید (۱۳۹۲). بررسی تأثیرات اقتصادی قاچاق کالا بر شهرهای مرزی مطالعه موردی: شهر مریوان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۳، شماره ۲۹، تابستان، صص ۵۱-۷۳. <https://jgs.khu.ac.ir/article-1-1513-fa.html>
- ۲۱- کهنه پوشی، سید هادی، جلالیان، حمید (۱۳۹۲). تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی، مورد: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۱، شماره ۳۲، مهر، صص ۶۱-۷۴. [https://gdij.usb.ac.ir/article\\_1164.html](https://gdij.usb.ac.ir/article_1164.html)
- ۲۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۲۳- لرنی، منوچهر (۱۳۸۳). آسیب شناسی امنیت، تهران: نشر پیام.
- ۲۴- محکم کار، ایمان، صالحی، سهام، طبری، ربابه، قاسمی، مهدی (۱۴۰۱). تبیین تأثیر قاچاق کالا بر امنیت اقتصادی کشور (مطالعه موردی: استان بوشهر)، فصلنامه امنیت انتظامی دریایی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، تابستان، صص ۵۳-۷۰. [http://boushehr.jrl.police.ir/article\\_100377.html](http://boushehr.jrl.police.ir/article_100377.html)
- ۲۵- مستجابی سرهنگی، حمید، صادقی، محمد (۱۳۹۳). قاچاق کالا در مرزهای دریایی استان هرمزگان و تأثیر آن در امنیت منطقه، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۶، شماره ۱، اردیبهشت، صص ۱۰۳-۱۲۴. [http://sopra.jrl.police.ir/article\\_28153.html](http://sopra.jrl.police.ir/article_28153.html)
- ۲۶- مسعودی، عباس، میرزائی، محمد (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در استان های مرزی (مورد مطالعه: استان کردستان)، پژوهش نامه مطالعات مرزی، دوره ۲، شماره ۱، فروردین، صص ۲۱-۴۴. [http://bss.jrl.police.ir/article\\_17466.html](http://bss.jrl.police.ir/article_17466.html)

- ۲۷- نوری، جواد، بخارایی، احمد، سینایی، سیدعطاالله (۱۳۹۹). مطالعه جامعه شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۱۳، شماره ۳، شماره پیاپی ۵۱، مهر، صص ۲۰۳-۲۲۸. [http://osra.jrl.police.ir/article\\_92992.html](http://osra.jrl.police.ir/article_92992.html)
- ۲۸- وطن پور، علیرضا (۱۳۸۷). قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد ملی، بررسی های بازرگانی، شماره ۲۸، فروردین و اردیبهشت، صص ۶-۲۴. <https://ensani.ir/fa/article/journal-number/14606>
- ۲۹- ویسی، هادی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: استان کرمان)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۳۱، شماره ۱، بهار، صص ۱۷۰-۱۸۶. <https://georesearch.ir/article-180-fa.html>
- ۳۰- هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۰). احساس امنیت اجتماعی از منظر توسعه گردشگری، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، دوره ۲۲، شماره ۲، شهریور، صص ۱۲۱-۱۴۳. [https://gep.ui.ac.ir/article\\_18497.html](https://gep.ui.ac.ir/article_18497.html)

### ب) منابع انگلیسی

- ۱ -Aregbeyen, O (2012). An investigation of the Severity, causes, Impact and Actions againsts Counterfeiting and Smuggling in Nigeria, Mediterranean Journal of Social Sciences, 3(1), 379-392. <https://www.researchgate.net/publication/266163781> DOI: [10.5901/mjss.2012.03.01.379](https://doi.org/10.5901/mjss.2012.03.01.379)
- ۲ -Buehn, A(2008). Smuggling around the world: evidece from a structural equation model, Smuggling first draft. Doc first draft 28.02.08 ljubljana, slovenia, august, 25-27. <https://www.zew.de/en/publications/>.

- ۳ Davis, P (2001). Rethinking the Welfare Poverty Approach, the case of Bangladesh, *Journal of Global Social Policy*, 23(9), 256-278.
- ۴ -Merton, R (2003). Social Structure and Anomie, *American Sociological Review*, 672-682.
- ۵ -Olsen, O.E & et al(2007). Societal Safety: Concept, Borders and Dilemmas, *Journal of Contingencies and Crisis Management*, 15(2), 69-79.
- ۶ -ONeill, G(2002). The Trust Fund, the Surplus, and the Real Social Security Problem. *Cato Institute Social Security*, 26, 1-8.